

امنیت و آزادی



□ داود رادمند

مقدمه

مفاهیم امنیت و آزادی، از مفاهیم حیاتی و ضروری برای ایجاد همزیستی مسالمت آمیز و اعطای حقوق شهروندی در جامعه انسانی می باشد. وجود امنیت در شکل کلاسیک آن که شامل امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، امری حیاتی تلقی گردیده و از طرف دیگر رعایت آزادی، به عنوان احترام به شخصیت و حیثیت انسانی، امری اجتناب ناپذیر می نماید.

در درون جوامع دیدگاه‌های مختلفی پیرامون تحقق همزمان این دو مفهوم وجود دارد. برخی وجود امنیت را منوط به حذف حقوق آزادی‌های شهروندی تلقی می نمایند. دیدگاه دیگر معتقد است که وجود آزادی مخل نظم و امنیت جامعه است. ما به دنبال آن هستیم تا ضمن بیان مباحث مفهومی و تئوریک، به دیدگاه سومی پیرامون تلازم توأمان مفاهیم امنیت و آزادی بپردازیم.

۱ - مفهوم امنیت

درباره امنیت و معانی متفاوت آن، تاکنون بحث‌های فراوانی صورت گرفته است. از دیرباز طرح مفهوم امنیت، به کارگیری نیروهای نظامی و استفاده از تجهیزات نظامی را در اذهان متبادر می ساخت.^(۱)

بر طرف کردن عوامل ترس و ناامنی از اساسی ترین هدف‌های یک کشور است.^(۲) در تاریخ معاصر و در طول زمانی که نظام دولت ملی شکل می گرفت و گسترش

می‌یافت، برخوردهای نظامی بسیاری روی داده است. زایش و استقلال ملت‌ها همواره با تشنج‌های سیاسی و درگیری‌های نظامی همراه بوده است. شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از متفکران، از جمله آنان که «واقع‌گرا» نام گرفته‌اند، امنیت ملی را با امنیت نظامی هم معنا دانسته‌اند. امروزه این برداشت از امنیت شکل سنتی به خود گرفته است. هم اکنون سؤالاتی در مورد فایده نیروی نظامی در زمانی که دیگر، رهیافت‌های سنتی تهدید در مسائل دفاعی و امنیتی به طور انحصاری کاربرد ندارد، مطرح می‌شوند. اما اکنون امنیت ملی ابعاد تازه و کلاسیکی پیدا کرده که هر یک به سهم خود درخور اهمیت است. از جمله اینها امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی است. دوره‌ای که انقلاب ارتباطات به این معناست که تنها عده قلیلی از نگاه جامعه بین‌المللی دور می‌مانند، باید رهیافت‌های جدیدی برای مقابله با تهدیدات غیر نظامی و معمولاً پنهان، ایجاد شود.^(۳)

آنچه مسلم است این که، تأمین امنیت، امری مطلق و قطعی نیست و ناامنی به اشکال مختلف وجود دارد. یافتن امنیت نسبی از دو راه امکان‌پذیر است:

- ۱- کاهش آسیب‌پذیری و ضعف که از آن، به استراتژی امنیت ملی تعبیر می‌شود؛
- ۲- کوشش برای از بین بردن یا کاهش تهدیدهای امنیتی که اصطلاحاً استراتژی امنیت بین‌المللی خوانده می‌شود.^(۴)

امنیت در اشکال نازل و سنتی، همان امنیت جامعه از تعدی راهزنان و ایمن بودن شهرهاست. اما اگر امنیت را در ابعاد گسترده و واقعی آن معطوف به حقوق شهروندی تعریف کنیم، قطعاً امنیت با آزادی ملازمه خواهد داشت.^(۵)

در مجموع، امنیت دارای دو معنای ایجابی؛ یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان و سلبی؛ نبود ترس، اجبار و تهدید می‌باشد^(۶) با توجه به برخی تعاریف، می‌توان گفت که مفهوم امنیت، مرکب از چندین ارزش ملی است. این ارزش‌ها عبارتند از: پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور، تضمین بقای ارگانیک، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی. و تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور.^(۷)

نظریه واحدی که در همه واکنش‌های استراتژیک تعریف شده وجود دارد، نظریه امنیت از طریق همکاری است.^(۸) در امنیت جامع، گفته می‌شود که دارای ابعاد چندگانه است. در این راستا باید به مسایل دیگری؛ مانند: عدم توسعه اقتصادی، اختلافات تجاری، افزایش ناموزون جمعیت، نابودی محیط زیست، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و نقض حقوق بشر نیز توجه کافی مبذول داشت و تحقق امنیت، عبارت است از: همکاری با دیگران، نه بسیج شدن علیه دیگران.^(۹)

۴ - ارتباط امنیت و مشارکت

مشارکت ملی / مردمی، یکی از مباحث اصلی در طرح امنیت ملی است. اما این نوع از مشارکت باید به سوی مشارکت مثبت و کنترل شده، هدایت گردد. به اعتقاد برخی صاحب نظران از یک طرف، نگاه ما باید به امنیت کشور؛ یعنی استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور باشد و از طرف دیگر، امنیت اجتماعی شهروندان، حفظ حریم خصوصی زندگی آنها، دفاع از حقوق و آزادی‌هایشان که از وظایف اصلی دولت و حکومت است، تأمین شود. ما باید یک نقطه بهینه برای این دو مورد پیدا کنیم، نه این که فقط امنیت دولت را امنیت جامعه تلقی کرده و نه صرفاً بدون توجه به این مطلب که در سطح کلان در منطقه و جهان چه می‌گذرد، امنیت شهروندان با دیدگاهی روشنگرانه مد نظرمان باشد.

مشارکت مردمی در عرصه‌های مختلف جامعه باید از حالت انفعالی به حالت فعال و از حالت ابزاری به مشارکت آگاهانه، مستقل و مبتکرانه تبدیل شود. موضوع مشارکت مردم در سازمان‌ها، احزاب و نهادها و گروه‌های ذی‌نفع، مباحثی نیست که صرفاً جدلی باشد؛^(۱۰) یک جناح بیاید و بقیه جناح‌ها موضع بگیرند. بحثی است که می‌توان در پرتو آن، اجماع ملی را فراهم آورد و تفاهم ملی ایجاد کرد. این امر نشان می‌دهد اختلافات ما کجا است و چگونه می‌توانیم با این اختلافات مواجه شویم. این مباحث هر قدر شفاف‌تر و علنی‌تر باشد، در نهایت منطقی‌تر خواهد شد و جمع‌بندی‌ها را عقلانی‌تر می‌کنند. و هر قدر پشت پرده باشد، احیاناً دچار ضعف‌ها و کاستی‌هایی خواهد بود که از جمله مشکلات آن، این است که نتوانسته است از نقطه نظرات بسیاری از اندیشمندان بهره‌مند شود.

۶ - مفهوم آزادی

حریت به معنای وسیع آن؛ «آزادی فکر و آزادی در بیان و قلم و آزادی در عمل» نه تنها یکی از حقوق مسلمة انسان؛ بلکه از مشخصات موجودیت این نوع می باشد.^(۱۱) در باب آزادی، تعاریف بسیار متنوعی وجود دارد و نیز عقاید و مسلک‌های گوناگونی مطرح گردیده است. اما آنچه که برای ما اهمیت دارد، بیان تعریفی دینی و در عین حال مرتبط با مفهوم امنیت است. بر همین اساس، می توان آزادی را چنین تعریف کرد: «آزادی؛ یعنی استقرار امنیت همگانی در چارچوب قانون» لذا، آزادی و امنیت دو گوهر همزادند که با یکدیگر، معنا می یابند.^(۱۲)

خداوند، انسان را مسؤول و آزاد آفریده است. چون مسؤول بودن و آزادی، در طبیعت انسان وجود دارد؛ انسان نمی تواند نسبت به این دو موضوع حالت گزینش داشته باشد. آنچه وی می تواند انتخاب کند، عبارت است از: عمل به وظیفه‌هایی که متوجه اوست و یا ترک آنها.^(۱۳) در اصل دوم قانون اساسی نیز به همین نکته اشاره شده است. در این اصل، چنین آمده است که جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا که از راه... نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط، عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.^(۱۴)

تقابل یا تلازم امنیت با آزادی

۱ - ارتباط امنیت و آزادی

در مقولات اجتماعی که با یکدیگر ارتباط دارند، غالباً نمی توان قائل به تقدم و تأخر زمانی شد؛ چون این مقولات با یکدیگر رابطه دو سویه دارند و هر یک، می تواند به تقویت دیگری کمک کند یا به تضعیف دیگری بیانجامد.^(۱۵) آزادی و امنیت، دو مقوله مستقل اما مرتبط با یکدیگرند. آزادی و امنیت، دو روی یک سکه‌اند. آزادی که با خود امنیت به همراه نداشته باشد، در حقیقت آزادی نیست، بلکه نوعی هرج و مرج و آنارشیسیم است و از سوی دیگر، امنیتی هم که متضمن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی نباشد، در واقع امنیت نیست؛ بلکه نوعی دیکتاتوری و خشونت است.

اگر امنیت را در برخی اشکال نازل و سنتی خلاصه کنیم، ممکن است به عدم ارتباط آن با آزادی و یا تقدم آن بر آزادی معتقد بشویم، زیرا تا امنیت جان و تأمین حق حیات در میان نباشد، آزادی مفهومی نخواهد داشت. اما اگر امنیت را در اشکال امروزی آن در نظر بگیریم، تعادل در تعامل بین توسعه، امنیت و آزادی برای کشور یک ضرورت انکارناپذیر است.^(۱۶)

آزادی چیزی جز بهره‌مندی مطلوب و قاعده‌مند از حقوق شهروندی نیست. در دنیای امروز، حکومت و دولت، قدرت و اقتدار خود را از طریق نهادهای مختلف اعمال می‌کنند و اگر تضمین‌های کافی و تمهیدات عینی برای تحقق آزادی به نحوه نهادینه وجود نداشته باشد و اگر مکانیزم‌های نظارت و کنترل عمومی بر نهادهای قدرت و حکومت وجود نداشته باشد، قطعاً امنیت شهروندان در معرض تهدید قرار گرفته و قدرتمندان با نفوذشان در مراکز قدرت و نهادهای حکومت، به راحتی خواهد توانست حقوق و امنیت شهروندان را مخدوش و پایمال کند. حتی اشکال سنتی و نازل امنیت هم در صورت وجود آزادی و وجود اهرم‌های کنترلی و نظارت عمومی بوده است و در هر صورت، امنیت با فراهم بودن عرصه نقد و انتقاد، به نحو صحیح‌تر و کامل‌تری محقق خواهد شد.

البته یک خطر بزرگ نیز در این میان وجود دارد و آن به ابتدال کشیده شدن واژه مقدس آزادی است. این خطر هنگامی نمایان می‌گردد که همگان دم از آزادی خواهی بزنند و در این میان، معلوم نباشد که این آزادی چیست؟ پاسداری از آن چگونه است و پاسدار آن کیست؟ در واقع، هنگامی که آزادی تنها به سوژه‌ای برای مردم فریبی مبدل شود، آن گاه جامعه با یک خطر بزرگ مواجه می‌شود. چه بسا افرادی که برای فریب افکار عمومی، آزادی را به نوعی زیر پاگذارند تمام گذشته‌ها تعبیر و تفسیر کنند و جامعه را به شکستن تمامی حدود و ثغور فراخوانند تا از این طریق به آن دست یابند. مسلماً آن هنگامی که مسابقه عمومی در لگدکوب کردن سنت‌ها، عرف‌ها، اخلاقیات، ارزش‌ها و قوانین جاری شروع شود، دیگر هیچ حدّ و مرزی برای پایان آن نمی‌توان تصور کرد و در چنین شرایطی، آزادی خود، نخستین قربانی هرج و مرج طلبی خواهد شد.

در صورتی که جامعه در هدف‌گیری خود برای دست‌یابی به آزادی دچار اشتباه شود

و به جای آن، گام در وادی حرمت شکنی، بی قانونی، ابتذال و امثال اینها گذارد، دیری نخواهد پایید که به دلیل خدشه دار شدن امنیت فردی و اجتماعی، حرکت‌هایی از بطن اجتماع برای استقرار امنیت از دست رفته، برخوانند خاست. و در این وادی نیز از آنجا که این حرکت‌ها، انفعالی و بدون شناخت از آزادی و امنیت‌اند، بروز نوعی سطحی‌نگری، و دگم‌اندیشی و سرکوب‌گری، کاملاً امکان‌پذیر می‌نماید.^(۱۷) بنابراین، حرکتی که با شناخت از آزادی و امنیت همراه نباشد، گرفتار آمدن در چرخه فاسد ابتذال و اختناق را در بردارد که البته این چرخه خود را زیر پوشش چرخه آزادی / امنیت پنهان می‌سازد.

البته برخی بر این باورند که توسعه سیاسی تا اندازه‌ای به امنیت لطمه می‌زند؛ اما چنین نظری تا هنگامی که در اصول توسعه سیاسی، بحث امنیت ملی مطرح باشد، مورد قبول نخواهد شد. باید نقطه بهینه‌ای بین امنیت و آزادی و مشارکت و میان حقوق و وظایف دولت و شهروندان پیدا کنیم. لذا حتماً یکی از نگاه‌ها، این است که سازمان‌دهی سیاسی به گونه‌ای باشد که ضریت امنیت ملی را بالا ببرد.

باید توجه داشت که امنیت ملی، شامل امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی و فضایی نیز می‌باشد؛ در غیر این صورت، دولتی که به تنهایی و فقط امنیت خود، مرزها و استقلال کشور را بدون توجه به امنیت خاطر شهروندان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره حفظ کند، یک دیکتاتوری تمام عیار است.

دولتی هم که فقط بخواهد به امنیت شهروندان بها دهد و امنیت ملی را فراهم کند، دولتی است که دیر یا زود جامعه را دچار مشکلات جدی کرده و به دشمن اجازه اقدامات تجاوزکارانه می‌دهد. نقطه مورد نظر، نقطه اشتراک بین امنیت ملی و امنیت فردی است که در واقع، شهروندان امنیت ملی را امنیت خود تلقی کرده و دولت هم امنیت اجتماع را امنیت خود بداند. در این صورت، نه فقط تعارضی میان مشارکت مردم و امنیت ملی وجود ندارد؛ بلکه اساساً اگر مردم مشارکت نکنند، امنیت ملی ما، در معرض خطر قرار می‌گیرد.

ارائه راهکارهای عملی

با توجه به بررسی‌ای که پیرامون دو محور امنیت و آزادی صورت پذیرفت، و بیان

نحوه ارتباط (تقابل یا تلازم) میان آنها، به نظر می‌رسد که باید استراتژی کلانی اتخاذ گردد تا بتوان با ارائه طرح‌های زیر بنایی، پیرامون چگونگی نهادینه سازی توأمان امنیت و آزادی، بر مشکلات و بحران‌های امنیتی و مشارکتی جامعه فائق آمد و بر همین اساس، برآنیم تا با بیان راه کارهایی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بتوانیم به نهادینه سازی و رشد و توسعه تلازمی بین مفاهیم امنیت و آزادی دست پیدا کنیم.

۱- راهکارهای سیاسی

در این قسمت، کلید اصلی مبارزه با ناامنی و فقدان مشارکت ملی، تقسیم قدرت به عادلانه‌ترین شکل ممکن خواهد بود. مهم‌ترین راه کارهایی که در این زمینه می‌توانند اجرا شوند؛ عبارتند از:

افزایش مشارکت سیاسی و کارآمد کردن هر چه بیش تر سیستم‌های امنیتی و قضایی. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از:

- تشویق فعالیت‌های مشارکتی نظیر: انجمن‌ها، احزاب، سندیکاهای کارگری و کارمندی و... از طریق اهدای کمک‌های مالی، معافیت‌های مالیاتی و تأمین امنیت کامل برای فعالیت‌های آنها؛

- کمک و تشویق به ایجاد انجمن‌های مشورتی و صنفی کردن کلیه نهادهای آموزشی، اداری و سیاسی؛

- تشویق عمومی مشارکت‌های سیاسی از طریق ترغیب مردم به شرکت هر چه گسترده‌تر در انتخابات در کلیه رده‌ها؛

- ایجاد امکان مشارکت برای شهروندان در زندگی شهری و محله از طریق کارا کردن هر چه بیشتر شوراهای محلی؛

- از میان بردن گزینه‌های سیاسی، قومی و... در استخدام‌ها، آزمون‌ها و یا هر مورد دیگر به جز موارد پیش بینی شده در قانون؛

- مبارزه شدید با خودکامگی‌های اداری، سوء استفاده از قدرت، قانون شکنی‌های دولتی و عدم اجرای احکام قضایی؛

- مبارزه با مشکلات موجود در نظام‌های اداری نظیر: کم کاری، بد رفتاری با ارباب

رجوع، رشوه خواری، بی مسؤولیتی، نبود وجدان کاری و مشارکت دادن مردم در حل این مشکلات؛

- ایجاد مسؤولیت بیش تر در مقامات دولتی و وادار کردن آنها به پاسخ گویی به مردم؛

- استفاده از داوری های سریع یا سرعت بخشیدن به فرایندهای قضایی؛

- تعادل میان نهاد پذیری، قانون مداری، و فرهنگ سیاسی؛

- افزایش مجازات قانون شکنان از طریق افزایش مجازات ها و ممنوعیت های شغلی

در دستگاه دولتی برای این قبیل افراد؛

- قانون مند کردن فعالیت های پلیس در رابطه با آزادی های دموکراتیک و توضیح و

تشریح اقدامات پلیس برای مردم در جهت قانع کردن آنها نسبت به مشروعیت این فعالیت ها؛

- حمایت از قوانین به ویژه قوانین حمایت کننده از آزادی های فردی و اجتماعی و

گسترش پیوسته آزادی ها با توجه به میزان قابلیت مردم در پذیرش آنها؛

- افزایش امنیت اجتماعی از طریق تقویت پلیس و کمک بیش تر به نیروهای انتظامی

برای بهبود وضعیت اجتماعی آنها.

۲ - راه کارهای اجتماعی

این قبیل راه کارها را می توان در سه بخش طبقه بندی کرد؛ نخست، تقویت نهادهای

اجتماعی و مبارزه با مفاسد اجتماعی؛ سپس، راه کارهای آموزشی، پژوهشی و اطلاع

رسانی؛ و سرانجام، راه کارهای برنامه ریزی و طراحی شهری. مهم ترین این اقدامات

عبارتند از:

- تقویت نهاد خانواده و زندگی خانوادگی و کمک به همبستگی خانوادگی درون این نهاد؛

- توجه بیش تر به جوانان و نیازهای آنان به ویژه برای پر کردن مفید اوقات فراغت

آنها و دادن زمینه و امکان عملی به نیروی خلاقیت و تمایل آنها به فعالیت های جمعی؛

- افزایش مشارکت اجتماعی جوانان در نهادهای اجتماعی؛

- استفاده از تمرکز زدایی در روش های کنترل اجتماعی و واگذاری بخشی از کنترل ها

به سلسله مراتب های غیر متمرکز؛

- ایجاد پایگاه های اطلاعاتی در زمینه اشکال گوناگون خشونت سیاسی نظیر

اعتصاب‌ها، تظاهرات، کثرت رفتارهای پلیس با ذکر دلایل، تحلیل فرایندها و پیامدهای جانی و مالی احتمالی در هر مورد و همچنین جمع آوری نتایج بررسی‌ها و داوری‌ها و احکام صادر شده در دادگاه‌ها در هر مورد؛

- توجه بیش‌تر به شکل و محتوای برنامه رسانه‌های ارتباط جمعی؛ به ویژه تصاویر خشونت‌آمیز در برنامه‌های تلویزیونی و بررسی تأثیر پخش چنین برنامه‌هایی بر مخاطبان گوناگون اجتماعی؛

- گسترش آموزش روان‌شناسی اجتماعی به تمامی افرادی که با امر آموزش سروکار دارند؛ - توجه بیش‌تر به مشکلات و زمینه‌های پدید آمدن تعارض و تنش در محیط‌های کاری، آموزش، سیاسی، قومی، دینی و جلوگیری از این تنش‌ها با اجرای برنامه‌های آموزش و فرهنگی؛

- ایجاد سازمان‌های ویژه مطالعه بر خشونت و خشونت سیاسی در سطح ملی و دعوت از کارشناسان و اندیشمندان دانشگاهی، اجتماعی و دینی برای شرکت در فعالیت این سازمان‌ها؛

- پرهیز از ایجاد تفکیک در فضا بر مبنای سن، فرهنگ، قومیت، دین و... و ایجاد محله‌های مسکونی با بافت‌های دارای تنوع؛

- کمک به توسعه مناطق محروم و اجرای سیاست محرومیت زدایی، افزایش عدالت اجتماعی و کاهش اختلاف ثروت میان اقشار اجتماعی.

۳ - راه‌کارهای اقتصادی

مهم‌ترین اقداماتی که در این زمینه می‌توان انجام داد، از جمله شامل:

- کارا کردن نظام مالیاتی برای توزیع بهتر ثروت در میان اقشار نیازمند و کاهش فاصله میان اقشار اجتماعی؛

- مبارزه با فقر و محرومیت از طریق اهدای کمک‌های اقتصادی به افرادی که مایل باشند برای خود کسب و کار ایجاد کنند؛

- تشویق ایجاد واحدهای کوچک اقتصادی که به دلیل نبود تراکم انسانی، خطر کمتری در ایجاد خشونت سیاسی در آنها وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مجتبی عطارزاده، تأثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، تابستان ۷۷، ص ۸۴.
- ۲- جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، (تهران، نشر سمت، ۱۳۷۴)، ص ۱۸.
- ۳- گرگ میلز، دستورکار امنیتی قرن ۲۱، ترجمه حیدر علی بلوچی، فصلنامه امنیت ملی، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۲۶.
- ۴- سعیده لطیفیان، استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، (تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶)، ص ۷۳.
- ۵- محسن آرمین، امنیت و آزادی، تعارض یا تلازم، خراسان ۴۰ تا.
- ۶- اصغر افتخاری، ظرفیت طبیعی امنیت، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۷۸، ص ۲۷.
- ۷- ی- سابق، امنیت در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی ایمانی، علیرضا طیب، (تهران: نشر شرکت علمی و فرهنگی، ۷۷)، ص ۱۸.
- ۸- «Cooprative security».
- ۹- رضا سمیر، صلح و امنیت جهانی در آستانه قرن ۲۱، مجله سیاست خارجی، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان، ۱۳۷۶، ص ۳۶۲.
- ۱۰- مصطفی تاج زاده، سازمان‌دهی سیاسی، ضریب امنیت ملی را بالا می‌برد، روزنامه زن، ۷۸/۸/۳۰.
- ۱۱- سید ابوالفضل موسوی زنجانی، آزادی در نظر اسلام، مجموعه مقالات دین داری و آزادی (تهران: نشر آفرینه، ۱۳۷۸)، ص ۵۰۰.
- ۱۲- مسعود رضایی، آزادی و امنیت دوگوهر همزاد، ارزش‌ها، شماره ۷۱.
- ۱۳- محمد مجتهد شبستری، ایمان و آزادی، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۶)، ص ۱۵.
- ۱۴- اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۵- محسن آرمین، پیشین.
- ۱۶- جلال فیاض، توسعه و امنیت، قدس ۷۸/۶/۱۳.
- ۱۷- مسعود رضایی، پیشین.

